

# دفاع از حزب کمونیست ایران یک ضرورت سیاسی

بهرام رحمانی  
bamdadpress@ownit,nu

بحث این که کومه له، از حزب کمونیست ایران جدا شود و به نام خودش فعالیت کند و یا حزب کمونیست ایران را باید منحل شود، بحثی است که در سال های اخیر در حزب کمونیست ایران و کومه له مطرح شده است. کومه له و حزب کمونیست ایران در کنگره ها، سمینارها و بحث های سیاسی درونی و بیرونی خود، جواب سیاسی این بحث و ضرورت دفاع از موجودیت حزب کمونیست ایران را داده اند.

اخیرا نیز چند نفر از کادرهای کومه له و حزب کمونیست ایران، این بحث را با انتشار مقاله ای تحت عنوان «ضرورت فعالیت به نام کومه له» تکرار کرده اند. قاعدتا حق طبیعی و سیاسی این رفقا است که نظریات خود را در درون و بیرون تشکیلات مطرح کنند تا جایی که به طور کلی مغایر با برنامه و اساسنامه کومه له و حزب نباشد. تاکنون نیز هر موقع این رفقا خواستار جلسه ای در خارج کشور بوده اند، تشکیلات خارج کشور این امکان را برای این رفقا فراهم کرده است تا نظریات خود را با اعضای تشکیلات در میان بگذارند.

آن چه که به مضمون نوشته این رفقا مربوط می شود اساسا اشکال عمیق سیاسی و حتا طبقاتی دارد، اما در این نوشته هدف نقد آن نیست؛ جواب به جریانات ناسیونالیست کرد و فرصت طلبان رفرمیست نیست، بلکه اساسا دفاع از حزب کمونیست ایران و کومه له کمونیست است که در تلاطمات سیاسی و اجتماعی ۲۵ سال اخیر ایران، با هر کمبود و اشکالی به طور صادقانه در راه رهایی کارگران و مردم محروم و تحت ستم بی وقفه مبارزه کرده و با اتکا به سوسیالیسم علمی، برای برانداختن حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری ثابت قدم بوده است.

با انتشار مطلب این رفقا، جریانات ناسیونالیست، فرصت طلب و رفرمیست فرصت را مغتنم شمرده اند تا با تحلیل های من درآوردی و راست، دست به تحریف تاریخ و مواضع کومه له و حزب کمونیست ایران بزنند. این جریانات قبل از هر چیز مواضع ضد کارگری و ضد کمونیستی خود را به نمایش می گذارند. جریانات ورشکسته ای که سعی می کنند از هر نمدی کلاهی برای خود بدوزند؛ بدانند که صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران، بیش از هر زمان دیگری متحدتر و رزمنده تر است. حزب کمونیست ایران و کومه له که کنگره های هشتم و یازدهم خود را در تابستان گذشته با موفقیت برگزار کردند. در این دو کنگره، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ تشکیلاتی دستاوردهای زیادی حاصل شد. اسناد و قطعنامه هایی مبنی بر ادامه مواضع کارگری کمونیستی شان مورد تصویب قرار گرفت. مهم تر از همه هر دو کنگره در فضایی سیاسی و صمیمانه و به دور از هر گونه جار و جنجال و کشمکش تشکیلاتی برگزار شد. اسناد آن ها نیز به طور علنی منتشر شده است. در کنگره هشتم حزب کمونیست ایران، حتا جمله ای مبنی بر این که حزب منحل شود و یا تغییر اسم دهد، به میان نیامد. از این رو کومه له و حزب کمونیست ایران، بعد از این دو کنگره منسجم تر و متحدتر شده اند. از سوی دیگر کومه له و حزب کمونیست ایران، این چشم انداز و افق را هم چنان در مقابل خود قرار داده اند که کلیه امکانات خود را در راه تغییر سیستم موجود و در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری و لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی و برقراری جامعه کمونیستی قرار دهند. کارنامه بیش از دو دهه مبارزه طبقاتی کومه له و حزب کمونیست ایران، که همواره در جهت منافع طبقه کارگر و مسلح شدن این طبقه به سیاست های سوسیالیستی بوده است که جامعه از آن مطلع است و اسناد فراوانی در این مورد وجود دارد.

روشن است که تنها جریاناتی در درون طبقه کارگر به معنای واقعی جای دارند که با خلوص نیت برای سرنگونی سرمایه و برقراری حکومت کارگری با سلاح سوسیالیستی مبارزه کند و منفعی جدا از منافع طبقه کارگر برای خود تصور نکند. کومه له و حزب کمونیست ایران، در یک صف متحد با این چشم انداز در درون طبقه کارگر ایران مبارزه می کنند و پیشرفت و پس رفت و موقعیت سیاسی و تشکیلاتی خود را از زاویه مصالح و منافع طبقه کارگر مورد ارزیابی قرار می دهند. مسلما آن چه که کومه له کمونیست و حزب کمونیست ایران را با دیگر جریانات چپ متمایز می کند، علاوه بر مواضع کارگری کمونیستی شان، نقش و موقعیت اجتماعی و برجسته کومه له در کردستان است. کومه له بازوی مسلح جریان کارگری کمونیستی سراسری ایران است. این را حتا دشمنان طبقاتی ما نیز اذعان می کنند. کارفرمایان و جمهوری اسلامی، در هر اعتراض کارگری در کردستان از نقش و نفوذ کومه له می نالند. چرا که حضور اجتماعی کومه له در کردستان، به عنوان یک جریان اجتماعی کمونیستی و با نفوذ و محبوب یک واقعیت غیرقابل انکار است. در چند سال اخیر گروهی که از کومه له جدا شدند و روز به روز به موضع ناسیونالیستی و رفرمیستی در غلطیدند، حتا سوء استفاده این گروه از نام و تاریخ کومه له نتوانست کم ترین توهمی در جامعه کردستان نسبت به کومه له کمونیست به وجود آورد. بنابراین کومه له و حزب کمونیست ایران، در یک

شرایط تاریخی و در بطن تلاطمات سیاسی سال های اول انقلاب ۱۳۵۷، در یک صف طبقاتی قرار گرفتند و اکنون نیز نه تنها جدایی آن ها خواب و خیالی بیش نیست، بلکه بر عکس تقویت این صف رزمنده کمونیستی بیش از هر زمان دیگری از تاریخ منطقه و ایران یک ضرورت انسانی و سیاسی و احساس مسئولیت کمونیستی است.

تاریخا نیز جواب سیاسی کسانی که فعالیت به نام «کومه له» را مطرح کرده اند، توسط کومه له و حزب کمونیست ایران داده شده است. کنگره نهم کومه له که در تیر و مرداد ماه ۱۳۷۹ - اوت ۲۰۰۰ برگزار شد، قطعنامه ای را برای جلوگیری از تحمیل انشعاب به کومه له مورد تصویب قرار داد. این قطعنامه بحث بر سر فعالیت کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران را به یک کنگره فوق العاده موکول می کرد و هدف از طرح و تصویب چنین قطعنامه ای این بود که اولاً از تحمیل یک انشعاب که هنوز همه جوانب اختلاف سیاسی و تشکیلاتی آن روشن نشده است جلوگیری شود و هم فرصت برای ابراز نظر فراهم گردد. سرانجام پرچم داران انشعاب از کومه له و حزب کمونیست ایران، به مسئولیت های خود در کنگره پشت پا نهادند و جدایی خود را اعلام کردند. اگر آن روزها اهداف انشعابیون که در رهبری کومه له و حزب سعی کرده بودند حزب را منحل کنند و رهبری کومه له را نیز در دست بگیرند، برای خیلی ها روشن نبود؛ اما اکنون روشن شده است. در واقع مشکل اشعابیون، نه فقط حزب کمونیست ایران، بلکه اساساً کمونیسم بوده است. اما با این وجود این قطعنامه و تعهد کنگره بحث را در میان تشکیلات و بیرون از آن دامن زد و به همین منظور سمینارها و جلسات متعددی برگزار شد تا دیدگاه های مورد اختلاف مورد بحث و مناظره علنی قرار گیرد. سرانجام بار دیگر در یک فضای سیاسی عمومی و تشکیلاتی در مورد ادامه کاری فعالیت کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران تاکید شد. در پایین دوباره به این مسئله برمی گردیدیم.

در بخش هایی از این قطعنامه آمده است: «طی ماه های اخیر و به ویژه پس از برگزاری کنگره هفتم حزب کمونیست ایران، بحث هایی در رابطه با ارزیابی از حزب کمونیست ایران و مکان کومه له در این چهارچوب تشکیلاتی درگیر شده است و تاکنون نظرات موافق و مخالف در سطح محدودی مطرح شده اند. در این رابطه کنگره نهم کومه له نکات زیر را مورد تاکید قرار می دهد:

۱ - کومه له از بدو تاسیس خود در سال ۱۳۴۸ شمسی هیچ گاه یک چشم انداز صرفاً محلی را برای فعالیت خود ترسیم نکرده بود. رفیق فواد سلطانی و دیگر بنیان گذاران کومه له با هر تصویری که از سوسیالیسم داشته اند همواره یک مشی انترناسیونالیستی، فراگیر و سراسری را همگام با همه مبارزین و انقلابیون سوسیالیست و رادیکال ایران مدنظر داشته اند. نه آن روز و نه امروز چشم اندازی محلی، راهگشا، و جواب گوی انتظارات و مطالبات مردم کردستان و کارگران و زحمتکشانشان نبوده است.

۲ - حزب کمونیست ایران در شهریور ماه ۱۳۶۲ به دنبال بیش از یک سال بحث های گرم علنی و دورنی که رفقای کومه له با شور و اشتیاق فراوان در آن مشارکت داشتند، در یک کنگره موسس، تاسیس شد. پیوستن کومه له به حزب کمونیست ایران در جهت حفظ و بسط سنت های انقلابی و نفوذ اجتماعی و سیاسی کومه له بود. استقبال فعالین کومه له از پیوستن به صفوف حزب کمونیست ایران نشانه نفوذ و عمق آرمان های برابری طلبانه و کمونیستی در صفوف کومه له بود.

پروسه تشکیل حزب و پیوستن کومه له به آن از هر لحاظ منطبق بر موازین دمکراتیک و سنت های پیشرو بود. کمیته مرکزی کومه له در آن هنگام طی برگزاری یک فرآیند تشکیلاتی پیوستن کومه له را به این تشکیلات جدید به رای گذاشت و بیش از ۹۸ درصد از فعالین آن موقع کومه له به آن رای مثبت دادند. سازمان های سیاسی و بسیاری از فعالین و مبارزین انقلابی چپ مورد مشورت قرار گرفتند و بدین ترتیب بود که کومه له به بخشی از حزب کمونیست ایران تبدیل شد و امروز ۱۷ سال است که در این قالب تشکیلاتی فعالیت می کند. امروز هر ارزیابی نسبت به حزب کمونیست ایران داشته باشیم، این واقعیت غیرقابل انکار است که این جریان در رادیکالیته کردن کل فضای جنبش کردستان و در ترویج و تبلیغ آرمان های برابری طلبانه و انسانی و در تامین پایداری کومه له در مقابل شداید نزدیک به دو دهه اخیر نقش ارزش مندی ایفا کرده است...

با توجه به آن که گفته شد کنگره نهم کومه له مقرر می دارد:

الف - کمیته مرکزی آینده کومه له باب مباحثه علنی بر سر ارزیابی از حزب کمونیست ایران و ادامه عضویت کومه له در این قالب تشکیلاتی را باز می کند و کلیه صاحب نظران و مبارزین چپ و کمونیست را به شرکت فعال در این مباحثه فرا می خواند.

ب - کمیته مرکزی کومه له کنفرانس ها و سمینارهای درون تشکیلاتی لازم را به این منظور سازمان می دهد و کلیه امکانات موجود را برای انتشار هر چه وسیع تر نقطه نظرات موافق و مخالف پیرامون این مسئله به کار می گیرد.

ج - جمع بندی و نتیجه گیری از این مباحث در یک فرآیند تشکیلاتی مورد قضاوت قرار می گیرد و تصمیم گیری نهایی در این مورد به کنگره فوق العاده ای که به همین منظور برگزار می شود موکول خواهد شد و بدین ترتیب رسمیت خواهد داد.»

در ادامه این بحث ها رفیق ابراهیم علیزاده، دبیرکل کومه له و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، رفیق صلاح مازوجی، عضو کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران، در ماه مه ۲۰۰۱ تحت عنوان «دفاع از حزب

کمونیست ایران، یک ضرورت سیاسی» مطلبی را انتشار داده اند. این سند مهمی در توضیح طبقاتی اختلافات درونی حزب کمونیست ایران و دو انشعاب از آن است. رفقا صلاح و ابراهیم، درباره تشکیل حزب کمونیست ایران نوشته اند: «تشکیل حزب کمونیست ایران مستقل از این که در مورد پروسه تشکیل آن چگونه فکر کنیم و چه ایرادی به دیدگاه و برنامه سیاسی آن داشته باشیم، خود یکی از رویدادهای مهم در حیات سیاسی جنبش چپ و کمونیستی ایران محسوب می شود و از نظر ما پاسخی شایسته به یک ضرورت سیاسی و مبارزاتی بود.» در جای دیگری از این بحث آمده است: «آن ها که این واقعیت را نمی بینند و "مطابق فرمول های مختلف حزب چیست؟" خواهان انحلال حزب کمونیست ایران هستند در حقیقت از شناخت وضعیت متفاوت، یعنی از شناخت وظایف عظیم دوره حاضر دم می زنند. این ها که انحلال حزب را می خواهند در حقیقت نمی توانند وظایف دوره حاضر را حتا طرح کنند و به این دلیل است که افق حزب کمونیست را تیره و تار می بینند و بعد این تیرگی را به تمام تاریخش تسری می دهند تا خود را حتا با صورت مساله رو به رو نکنند. حال آن که اگر کسی بتواند وظایفی را که امروز در مقابل کمونیست هاست روشن سازد، اگر کسی چشم انداز روشنی برای پیشروی جنبش سوسیالیستی در ایران داشته باشد، آنگاه قطعا به تشکیلاتی چون حزب کمونیست ایران برای تحقق این چشم انداز نیاز خواهد داشت.» رفقا در خاتمه بحث خود به این نکته مهم تاکید کرده اند که: «ما در این بحث سعی کردیم نشان دادیم پایخ هایی که به مساله مورد بحث داده می شوند در خود نامنسجم و بعضا متناقض هستند. اما حزب کمونیست ایران را از عدم انسجام این گونه راه حل ها نتیجه نمی گیریم بلکه معتقدیم این حزب از لحاظ پرنسب ها و مبارزه برای اهداف کمونیستی، از زاویه منافع فوری کارگران و زحمتکشان کرد، از لحاظ مصالح کل جامعه کردستان در رابطه با حل مساله ملی، حقانیت دارد و ضروری است که با جدیت و شوق در تقویت آن از هر لحاظ بکوشیم.»

بعد از این وقایع، نشریه جهان امروز در تاریخ نیمه اول بهمن ۱۳۸۰ - نیمه اول فوریه ۲۰۰۳، گفت و گویی با رفیق ابراهیم عزیززاده داشته است که از جمله یکی از سنوالات چنین است: شما در کنگره نهم کومه له قطعنامه ای مبنی بر رسیدگی به ادامه عضویت کومه له در چهارچوب تشکیلاتی حزب کمونیست را تصویب کردید و نهایتا تصمیم گیری در این مورد به کنگره فوق العاده موکول نمودید؛ در رابطه با اجرای این قطعنامه چه اقداماتی صورت گرفته است؟

رفیق عزیززاده جواب می دهد: قطعنامه مورد اشاره شما باب بحث بر سر آینده فعالیت کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران را باز گذاشت. طی مدت یک سال و چند ماهی که از کنگره نهم کومه له می گذرد، فرصت های زیادی ایجاد شد تا طی سمینارها، جلسات تشکیلاتی، اجتماعات غیرتشکیلاتی، انتشار علنی بحث ها، رفقای که در این زمینه بحث را مطرح کنند. این مباحثات همگی موجودند و در دسترس علاقمندان به مساله قرار دارند و به دنبال این مباحثات بود که فراندوم مورد نظر قطعنامه به عمل آمد. پرسش نامه ای در این زمینه برای اغضاء فرستاده و پاسخ ها جمع آوری شد. بدین ترتیب و مینه از هر لحاظ برای برگزاری کنگره فوق العاده مورد نظر قطعنامه آماده شد.

اما هدف قطعنامه مصوب کنگره ۹، در واقع این بود که اولاً: از وقوع یک انشعاب در صفوف کومه له جلوگیری کند؛ و ثانياً: فضایی مناسب برای بحث و اظهارنظر آن دسته از اعضای که مخالف فعالیت کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران بودند، ایجاد نماید. در مورد اول، دیدیم که قطعنامه مورد بحث نتوانست مانع تصمیم منشعبین بشود و آن ها تشکیلات جدید اعلام کردند؛ و در مورد دوم هم عملا هدف مورد نظر قطعنامه حاصل شده بود. بحث های لازم انجام گرفته بود و به نظر می رسید که دیگر سخن ناگفته ای در این زمینه باقی نمانده باشد. با توجه به این بود که اکثریت کمیته مرکزی پیشنهاد کرد که تصمیم گیری درباره این مساله نه در کنگره فوق العاده، بلکه در کنگره عادی و به عنوان یکی از دستور جلسات کنگره دهم انجام شود و رسمیت پیدا کند. البته همان موقع کمیته مرکزی اعلام کرد که چنان چه نصف به علاوه یک اعضاء نظری جز این داشته باشند، کمیته مرکزی کنگره فوق العاده را فراخواهد خواند؛ اما اعضاء این نظر را مورد تایید قرار دادند و در نتیجه کار کنگره فوق العاده به کنگره عادی واگذار شد. هم زمان پروسه فراندوم هم در جریان بود؛ کمیسیونی منتخب از جانب کمیته مرکزی آراء اعضاء رسمی و آزمایشی را فرانت نمود. بر طبق نتیجه اعلام شده از جانب این کمیسیون، ۸۳٫۳ درصد از اعضاء رسمی به ماندن کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران رای مثبت دادند. ۱۶٫۶ درصد مخالف بودند و ۱ درصد هم رای ممتنع دادند. از میان اعضاء آزمایشی نیز، بیش از ۹۳ درصد به ماندن کومه له در حزب کمونیست ایران رای مثبت دادند.»

علاوه بر این ها قطعنامه مهم دیگری نیز تحت عنوان «بیانیه کنگره دهم کومه له درباره جایگاه کومه له در حزب کمونیست ایران» - مرداد ۱۳۸۱ - است. در بخش هایی از این قطعنامه می خوانیم: «تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ یکی از رویدادهای مهم در حیات سیاسی جنبش چپ و کمونیستی ایران محسوب می شود و اگر چه این رویداد پاسخی شایسته به یک ضرورت سیاسی و مبارزاتی بود. با وجود این نباید از پروسه تشکیل این حزب یک نظریه قابل تعمیم در مورد تشکیل احزاب کمونیست استنتاج کرد و ایجاد آن را باید در چهارچوب شرایط سیاسی

یک دوره معین مورد قضاوت قرار داد و موقعیت امروز آن را نیز ادای سهم در مبارزه برای غلبه بر پراکندگی کمونیست ها و پایان دادن به جدایی کمونیسم از جنبش طبقاتی کارگران دانست... حزب کمونیست افق های جدیدی را بر روی کومه له در کردستان هم گشود. رزمندگی و شور و شوق انقلابی را در صفوف این تشکیلات بالاتر برد و اجازه نداد که عقب نشینی های نظامی جنبش کردستان افق سیاسی آن را تیره و تار کند. به کومه له در از سر گذراندن یک دوره سخت و خطیر یاری رساند...

امروز در شرایطی که بورژوازی جهان ما را به سرعت به سوی فلاکت و تباهی سوق می دهد و سوسیالیسم تنها بدیل در پاسخ به جهنمی است که سرمایه داری انسان را بدان گرفتار ساخته است، ایجاد صف مبارزه متحدانه کارگری و کمونیستی در هر کشوری بیش از هر زمان دیگری به یک نیاز عاجل سیاسی تبدیل شده است. در چنین شرایطی شناخت وضعیت جدید و وظائف عظیمی که بر دوش ما قرار گرفته اند و چشم انداز روشنی که پیشروی جنبش سوسیالیستی قرار دارد، همه این ها بیش از پیش بر ضرورت حفظ حزب کمونیست ایران تاکید دارند.

در عرصه کردستان نیز از زاویه مبارزه و زندگی مردم کارگر و زحمتکش وجود حزب کمونیست ایران و فعالیت در این قالب حیاتی است. در عصری که ناسیونالیسم به کمک همه ذخایر فرهنگی و سیاسی و برنامه ای خود به تفرقه در میان صفوف کارگران متعلق به ملیت های مختلف دامن می زند و ما هر روزه شاهد فجایعی هستیم که تحت برنامه ها و خط مشی های سیاسی ناسیونالیستی در نقاط مختلف دنیا روی می دهند، در این جا در کردستان اتکا به یک حزب و سازمان سراسری و کمونیستی می تواند به طور موثری به تقویت همبستگی طبقاتی کارگران کرد و غیره کمک کند و از زاویه مصالح طبقاتی حال و آینده کارگران کرد و غیرکرد نیز ادامه فعالیت تحت نام حزب کمونیست ایران ضروری است. ما از این سنگر بهتر می توانیم به مقابله با آن حرکت رفرمیستی که بورژوازی ایران مردم دار آن است و می خواهد بحران سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را از این طریق به نفع خود فیصله دهد، مبارزه کنیم. فعالیت در چهارچوب حزب کمونیست ایران و حضور در جبهه عمومی مبارزه علیه جمهوری اسلامی ما را در موقعیت بسیار بهتری برای خنثی کردن پروژه های بورژوازی ایران که علیه جنبش رفع ستم ملی در جریان است، قرار می دهد. اگر حجم تحرک بورژوازی را در این جبهه برای به بیراهه کشیدن مبارزه مردم کردستان که این روزها در جریان است، در نظر بیاوریم اهمیت کار در این عرصه را بهتر درمی یابیم و بالاخره از لحاظ ضرورت حل مسئله کرد به شیوه اصولی و مفید به حال کارگران و جامعه موجود کردستان، کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران بهتر می تواند استراتژی و برنامه خود را برای حل مسئله ملی پیگیری کند. حزب کمونیست ایران مستقل از ارزیابی گذشته آن از مسائل سازمانی امروزی آن، به خاطر واقعیت های فوق وجودش ضروری است.

کنگره دهم کومه له اعلام می دارد که در تاریخ حیات سیاسی تاکنونی این حزب چیزی جز خدمت به آرمان های انسانی و سوسیالیستی ثبت نخواهد شد و امروز نیز از کف دادن این پرچم و این ابزار چیزی جز گام برداشتن به عقب نیست؛ و باقی ماندن کومه له در این چهارچوب، هم کومه له را در موقعیت بهتری برای تحقق استراتژی خود در جنبش کردستان قرار می دهد و کل جریان چپ و کمونیستی ایران را در جهت پیوند خوردن با جنبش طبقاتی کارگران و شکل دادن به بدیل کارگری در این راه تقویت می کند. ما با شور و امید به استقبال این افق می رویم.» علاقمندان می توانند این مباحثات را در سایت کومه له [www.komala.org](http://www.komala.org) و حزب کمونیست ایران [www.cpiran.org](http://www.cpiran.org) و نشریه جهان امروز مطالعه کنند.

آنچه که به لحاظ سیاسی و کمونیستی اهمیت دارد، این است که وجود حزب کمونیست ایران، در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران به نفع جنبش کارگری سوسیالیستی است. از انحلال حزب کمونیست ایران، بیش از هر جریانی جمهوری اسلامی، کل جریانات بورژوازی و رفرمیست خوشحال می شوند. هیچ کارگر پیشرو و رادیکال و کمونیست، نه تنها از انحلال آن خشنود نمی شود، بلکه افسوس نیز می خورد. از سوی دیگر تاریخ کومه له و حزب کمونیست ایران به معنای واقعی در بطن یک مبارزه طبقاتی سخت و طولانی به هم گره خورده است؛ بنابراین چنین تاریخی را نمی توان با اراده گرایی و دل به خواهی قطع کرد و یا تغییر داد.

اساسا پیوستن و جدا شدن از کومه له و حزب کمونیست ایران، یک انتخاب آگاهانه و داوطلبانه سیاسی است. دایما تعدادی به حزب می پیوندند و احیانا اعضای نیز به دلایل مختلف صفوف آن را ترک می کنند. اما حزب هم چنان سوخت و ساز دورنی خود را بازتولید می کند و به مبارزه سیاسی خود ادامه می دهد. ما نه تنها از رفتن هیچ رفیقی از صفوف خودمان خوشحال نمی شویم، بلکه همواره از کارگران و کمونیست ها و محافل کمونیستی که در انفراد و پراکندگی به سر می برند دعوت می کنیم، به صفوف حزب کمونیست ایران بپیوندند و این ابزار سالم و خوشنام و موثر کمونیستی طبقه کارگر را بیش از پیش تقویت کنند.

ششم نوامبر ۲۰۰۴